

گفت‌و‌گوی «آتیه‌نو» با یک نابینای هنرمند و صاحب‌مدال ورزشی

نسیم هستم... راهی برای وزیدن پیدا خواهم کرد



گفت‌و‌گو حادثه و بیماری هرگز خبر نمی‌کند و گاه چنان ناگهانی و غیرمترقبه بر سر و روی زندگی آدم‌ها می‌بارد که شوک آن، به فراخور شدت و عمق مسئله، در فرایند پذیرش و اقدامات تأخیر و تعلیق ایجاد می‌کند. اینکه هر روزه به روال معمول دنیای هزار رنگ را با زشتی و زیبایی‌هایش می‌بینیم برای‌مان عادی شده، اما اگر به یک‌بار از این نعمت محروم شویم آن زمان است که قدرش را به درستی درک خواهیم کرد. واقعیتی که «نسیم برنجیان» نابینا شده بر اثر بیماری، آن را با عبور از رنج و پستی و بلندی‌های فراوان لمس کرده و از سال ۱۳۹۸ دنیای جدیدی را زندگی می‌کند. برنجیان در گفت‌و‌گوی با ما ضمن مرور سختی‌های رفته بر او، با زمه جمله پرامید بر صدر تمام صفحات شبکه‌های اجتماعی‌اش می‌گوید: «من نسیم هستم و قطعاً راهی برای وزیدن پیدا خواهم کرد. یعنی هیچ چیز مانعم نیست، مگر روزی خدا جانم را بگیرد.»

شنیده بودم که شما بینا بودید و سال‌های اخیر دچار اختلال بینایی شده‌اید، در این خصوص توضیح دهید. سال ۱۳۹۸ به دلیل سردردهای مکرری که برایم اتفاق می افتاد به پزشک مراجعه کردم و پس از انجام اسکن و گرافی‌های متعدد تومور مغزی‌ام تشخیص داده شد. بیش از ۲۰ واندی مرتبه تحت عمل‌های جراحی مختلف قرار گرفتم که بینایی‌ام از بین نرود. خوشبختانه تومور خارج شد. متأسفانه پزشکان مجبور به تخلیه چشم راستم شدند. بر روی چشم چپم نیز اعمال متعددی انجام شد. با این‌بار تأسف، تلاش‌های فراوان و تزریق آمپول‌های قوی و شیمی درمانی برای حفظ بینایی نتیجه‌بخش نبود و متأسفانه تابستان سال ۱۳۹۹ به نابینایی مطلق منجر شد.

روند درمانی و در نهایت ختم آن به کم‌بینایی و نابینایی برای‌تان باورپذیر بود؟

قطعاً به امید رخ‌ندادن اتفاق ناگوار درمان و جراحی‌های سنگین را تحمل کردم که متأسفانه این اتفاق افتاد. من نیز همانند سایر افراد اوایل برایم مقداری سخت بود. مخصوصاً زمانی که چشم راستم تخلیه‌شد و یک عضو از دست‌ادم خوشبختانه اخلاقی که دارم پذیرش سریع است. زمانی که حس کردم راهی جز پذیرش نابینایی نیست با آن کنار آمدم و کلافراپند پذیرش دو ماه بیشتر طول نکشید. بارها گفتم‌از زندگی‌ام به دو بخش قبل و پس از نابینایی تقسیم می‌شود. چون پس از ورود به دنیای



بهره‌گیری از فناوری‌های کمکی به منظور توانبخشی نابینایان و کم‌بینایان نقش بسیار مهمی در زندگی و عملکرد آن‌ها ایفا می‌کند. به همین سبب بسیاری از افراد و شرکت‌ها را به حرکت در مسیر تولید این دسته از وسایل و تجهیزات کمک‌توانبخشی ترغیب کرده است. احساس نیاز به تولید این دسته از محصولات موضوعی است که داوود آبادگان، کارمند با سابقه سازمان بهزیستی رانیز به سمت تولید تجهیزات کمک‌توانبخشی نابینایان و کم‌نابینایان ترغیب کرده است. او در گفت‌و‌گو با «آتیه‌نو» می‌گوید که در حوزه معلولیت و به‌ویژه افراد با اختلال بینایی ترغیب کرده است. در ادامه گفت‌و‌گو با او را می‌خوانید.

انگیزه ورود شما به عرصه تولید تجهیزات ویژه نابینایان و کم‌بینایان چیست؟ نه‌تنها خودم نابینا هستم، بلکه اطرفیانم نیز دارای اختلال بینایی هستند. با توجه به سابقه ۲۵ساله اشتغال در سازمان بهزیستی با بسیاری از دغدغه‌ها و نیازهای جامعه نابینایان آشنا هستم و مجموع این گزاره‌ها انگیزه‌ای شد که به تولید محصولات توانبخشی ویژه نابینایان روی بیاورم. از طرفی علاقه‌مندی‌ام به مسائل آموزشی کمک کرد که در تولید نگاه ویژه‌ای به محصولات آموزشی داشته باشیم. البته نمی‌توان انگیزه‌های تجاری- اقتصادی و طبیعتاً درآمذایی را نادیده گرفت.



جدید، شبیه زندگی و حتی افرادی که با آن‌ها در تعامل قرار گرفتم و تماماً مختصات زندگی‌ام متحول و متفاوت شد و در مسیری دیگری تداوم پیدا کرد.

از نوع رویکرد و جملاتی که در دوران گذار با خود مرور و تکرار می‌کردید بگویید.

اول مثل همه شاک می‌بودم. از زمین و زمان گله‌گذاری می‌کردم و می‌گفتم خدا یا چرا من؟ چرا تلاش‌های خودم و خانواده بی‌جواب ماند. اما زمانی که قضیه پذیرش اتفاق افتاد تنها به این فکر می‌کردم که چطور جلو بروم. چون آدم پر جنب‌و‌جوشی هستم و به هیچ عنوان تحمل خانه‌نشینی را ندارم از خدا خواستم کمک کند که من وانمانم. خواستم که به من قدرت دهد تا شرایط برایم هموار شود که خانه‌نشین نشوم. تنها این جملات را تکرار می‌کردم که خداوند مرا برای تداوم حرکت رو به جلو و پیشرفت یاری کند.

اقدامات عملی شما بعد از پذیرش دنیای جدید برای یادگیری مختصات دنیای نابینایی چه بود؟ در مدتی که به مرور بنیایی‌ام در حال کمتر شدن بود و هنوز به صفر نرسیده بود، چون هیچ شناختی از دوران نابینایی و افراد نابینا نداشتم، تحقیق در مورد جهان نابینایان را پیگیر شدم. اینکه چطور زندگی می‌کنند، چه ابزار آلات و تجهیزاتی دارند، چه وسایل کاربردی برای آن‌ها وجود دارد و چطور از این ابزارها استفاده می‌کنند. خیلی اهل نوشتن هستم. آن

از شغل و موفقیت‌هایی که کسب کرده‌اید بگویید.

جامعه

قبل از نابینایی کارمند و شاغل بودم. نابینایی باعث شد نتوانم کار کنم. الان پس از گذشت دو سال تلاش مداوم و پی‌درپی در تمام سازمان‌های دولتی و خصوصی، صرفاً به خاطر نابینایی نتوانستم جایی مشغول به کار شوم. روی خوش این مسئله این است که به دلیل آزاد بودن وقتم در این سه سال به‌صورت جدی تر، ورزش و هنر را که دو شاخه مورد علاقه‌ام است دنبال کردم و پیشرفت‌های فراوانی در این دو شاخه داشته‌ام. از دوران کودکی به نوازندگی علاقه داشتم و سازهایی می‌نواختم. پس از دوران نابینایی با ساز تنبور که قبل نابینایی حتی اسم آن را هم نشنیده بودم آشنا شدم. اولین بار که صدای آن را شنیدم شیفته‌آن شدم و تلاش کردم آن را یاد بگیرم. متأسفانه اساتیدی که پیدا می‌کردم به واسطه نابینا بودنم تمایلی برای آموزش این ساز به من نشان نمی‌دادند. در نهایت استاد علی‌آبادی مرا پذیرفتند و الان نزدیک به سه سال است که در خدمت او شاگردی می‌کنم و از ایشان کمال قدردانی را دارم. در حال حاضر تنها نابینایی یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های تنبور نوازی ایران یعنی گروه جامی هستم و تاکنون افتخار داشتم که دو بار در تالار وحدت اجرا داشته باشم. در این مدت، به دلیل عشق به بوی خاک به سمت سفالگری رفتم و این هنر را نزد استادم فردین آموختم و الان می‌توانم با چرخ سفالینه‌های مختلف خلق کنم. در زمینه ورزش عاشق کوه و طبیعت بودم و پا به کوه گذاشتم. در حال حاضر می‌توانم بگویم که تنها زن نابینای مطلق هستم که در استان تهران قله‌نوردی می‌کند. یک ماه و نیم پیش به قله دماوند صعود کردم. در ورزش بدنسازی نیز امسال مدال طلا را کسب کردم.

در ددل یا مطالبه شما به عنوان یک قهرمان ورزشی و هنرمند از خانواده‌ها، جامعه و مسئولان چیست؟

یک موضوع که شاید در نگاه اول کوچک‌ام‌ادر واقع بسیار مهم و دغدغه‌آفرین باشد، فشارهای مالی است. کلاس‌های مختلف و رفت‌و‌آمدها هر روزه هستند. من تنها خواهم‌اش مسئولان این است که لاقفل شرایط را به گونه‌ای برای افرادی مثل من فراهم کنند که حالا که از نعمت دیدن محروم هستیم و نمی‌توانیم به راحتی با پای پیاده راه برویم و یا از مترو و اتوبوس شهری استفاده کنیم، مبل‌مان شهری بی‌نهایت نامناسب را اصلاح و مناسب‌سازی کنند. همچنین برای حمل‌ونقل افراد معلول تمهیدی در خصوص اعمال تسهیلات و تخفیفات ویژه در نظر گرفته شود. کمک‌هزینه‌ای به آن‌ها تعلق گیرد که امور ورزشی و آموزشی خود را دنبال کنند. باشگاه‌های ورزشی دولتی تعیین شده ویژه افراد خاص بسیار معدود هستند و یک نابینا برای بهره‌مندی از امکانات ورزشی این مراکز باید از غرب به شرق تهران سفر کند.

کنونی ساعت، ماشین حساب یا اسپیکر سخنگو کالای لوکس و به نوعی قاچاق و درجه دو محسوب می‌شوند. در چنین شرایطی واردات و حتی حمل‌ونقل این دسته از محصولات بسیار سخت و چالش‌برانگیز است.

موانع پیش‌روی شما در تولید محصولات چیست و برای رفع آن‌ها چه لوازم و ضرورت‌هایی نیاز است؟ گروه تولیدی ما همانند دیگر تولیدکننده‌های ایرانی با موانع بی‌شماری بر سر راه تولید خود روبه‌رو است. مالیات و دریافت مجوزها بسیار آزاردهنده است. علی‌رغم اینکه عموم مردم و بسیاری از دوستان و اطرافیان فکر می‌کنند تجهیزات توانبخشی آموزشی نابینایان معاف از مالیات است، اصلاً این موضوع صحت ندارد. ما نیز مانند دیگر تولیدکنندگان فعال داخلی هستیم و در پرداخت مالیات مشکلات بسیار جدی سر‌امان قرار دارد. اما با وجود تعیین مالیات‌های هنگفت از سوی وزارت دارایی، ناگزیر به ادامه فعالیت در چنین شرایط سختی هستیم.

محدودیت بازار کار یکی دیگر از موانع پیش روی ماست. یک تولیدکننده عادی ممکن است شطرنجی را با ۱۰ هزار تیراژ تولید کند و بفروشد، اما حداکثر تیراژ ما به هزار عدد بیشتر نمی‌رسد. این مسئله در سرمایه‌گذاری اولیه بسیار تأثیرگذار است. مثلاً ممکن است تولیدکننده برای تهیه یک قالب در ابتدا ۱۰۰ میلیون تومان هزینه کند و محصولی با ۱۰ هزار تیراژ از آن تولید کند. در چنین وضعیتی، هزینه قالب روی تیراژ سرشکن می‌شود اما طبیعتاً سرشکن شدن این هزینه برای تولید هزار تیراژ صرفه اقتصادی ندارد. از طرفی، در چنین وضعیتی عدم حمایت سازمان‌های متولی امور معلولان از جمله سازمان آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی تداوم فعالیت را دشوارتر می‌سازد.



دیدگاه

↓

نابینایان مسیر هموار می‌خواهند!

امید هاشمی

روزنامه‌نگار

همه ما اصطلاح «مناسب‌سازی» را شنیده‌ایم. اصطلاحی که ناظر بر آن است که محیط‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که افراد دارای معلولیت هم بتوانند همپای سایرین، در آن‌ها تردد کنند. اما آیا مناسب‌سازی فقط به کاشی‌های زرد پیاده‌روها یا دکمه‌های آسانسور‌ها خلاصه می‌شود؟! یا متولی مناسب‌سازی فقط دولت یا شهرداری‌ها هستند؟ ما افراد عادی چطور می‌توانیم به تحقق دنیای دسترسی پذیرتر برای نابینایان و سایر افراد دارای معلولیت کمک کنیم؟

این روزها با گسترش دسترسی افراد به فضای مجازی، بسیاری از کسب‌وکارها یا خدمات‌رسان‌های عمومی نیز تجارت‌شان را روی بسترهای مبتنی بر اینترنت ایجاد کرده‌اند. ارتباطات بین فردی هم حالا دیگر اغلب بر بستر شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها انجام می‌شود. این اتفاق، فرصتی ارزنده را برای نابینایان فراهم کرده است تا بتوانند همپای سایر شهروندان در رویدادهای مختلف اجتماعی حضوری فعال داشته باشند.

این حضور اما گاه با موانعی روبه‌رو می‌شود. درست مثل پیاده‌روها که وجود یک موتورسیکلت یا پهن شدن بساط یک دستفروش می‌تواند آمودشدر ای‌رای عابر نابینا دچار مشکل کند، برخی عملکردهای ما نیز ممکن است حضور کاربرمان نابینا در فضای مجازی را دست‌خوش چالش کند. به همین بهانه در این مختصر، به باید‌ها و نبایدهایی می‌پردازیم که رعایت آن‌ها ممکن است به کاربران نابینا کمک کند با سهولت بیشتری از اینترنت استفاده کنند.

همین اول ماجرا بهتر است تکلیف‌مان را با پرجالش‌ترین معضل نابینایان در شبکه‌های اجتماعی یعنی عکس‌هایی که کاربران بارگذاری می‌کنند روشن کنیم. این معضل، به سادگی قابل حل است؛ کافی است بدانیم که تقریباً تمام شبکه‌های اجتماعی استاندارد، از جمله توئیتر و اینستاگرام، در هنگام بارگذاری عکس، گزینه‌ای با نام «نوشتن متن جایگزین» را در اختیار کاربران قرار می‌دهند.

متن جایگزین یا «Alt Text» در واقع متنی است که کاربران نابینا می‌توانند آن را به کمک صفحه‌خوان‌هایشان بخوانند. کافی است مثلاً وقتی عکس یک مهمانی را در صفحه شخصی‌تان بارگذاری می‌کنید، شرح کوتاهی شامل اجزاء افراد عکس بنویسید تا کاربر نابینا بتواند از محتوای عکس باخبر شود. قابل ذکر اینکه این شرح، فقط به وسیله صفحه‌خوان‌ها قابل خواندن است و سایر مخاطبان‌تان آن را نخواهند دید.

شاید دانستن این نکته نیز خالی از جذابیت نباشد که گاهی اوقات، خواندن اسم کاربران در شبکه‌های اجتماعی، به یک مشکل پیچیده برای کاربران نابینا بدل می‌شود. بسیاری از کاربران دوست دارند با استفاده از انواع ابزارها، اسم‌شان را در شبکه‌های اجتماعی با فونت‌های فانتزی بنویسند تا جلوه زیبایی داشته باشد اما همین یک اقدام کوچک و به‌ظاهر کم‌اهمیت می‌تواند عملکرد کاربران نابینا را دچار اشکال کند. پس، اگر در زمره فعالان پرمخاطب شبکه‌های اجتماعی هستید با احتمال می‌دهید که در بین مخاطبان‌تان کاربر نابینایی نیز حضور داشته باشد، حتی‌الامکان از این فونت‌ها استفاده نکنید. نام کاربری‌تان را با همان حروف ساده بنویسید؛ چرا که در غیر این صورت، صفحه‌خوان نام‌تان را با کلمات عجیب و غریب و نامفهومی برای کاربران نابینا می‌خواند و به این ترتیب، افراد نابینا برای شناسایی شما به زحمت خواهند افتاد.

روی دیگر این نوشته، متوجه کسانی است که کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ اینترنتی را مدیریت می‌کنند. قطعاً شما برای عرضه کالا یا خدمات‌تان در اینترنت از یک وب‌سایت یا اپلیکیشن استفاده می‌کنید که ممکن است خود آن را طراحی کرده یا طراحی آن را به یک یا چند برنامه‌نویس سپرده باشید. خوب است بدانید که در طراحی وب‌سایت‌ها و اپلیکیشن‌ها، استانداردهایی وجود دارد که چنانچه طراح در حین ساخت وب‌سایت آن استانداردها را لحاظ کند، محصول طراحی‌شده برای کاربران نابینا و کم‌بینانهم قابل استفاده خواهد بود.